

نقطه اوج زوال اجتماعی در آمریکا

خودمحوری، نابرابری در دو حوزه اجتماعی و اقتصادی، پایه‌گذار زوال آمریکا است.

دیوید بروکس^۱، ستون نویس روزنامه‌ها در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۲۰، مطالبی با عنوان «چگونه می‌توان آمریکا را واقعاً عالی کرد؟»، منتشر نمود. هدف این یادداشت، بررسی زوال اجتماعی آمریکا است. نویسنده معتقد است که زوال اجتماعی در آمریکا، از اواخر قرن بیستم شروع شد و در حال حاضر، به اوج رسیده و آنچه باعث این زوال شده، نابرابری درآمدی، کاهش اعتماد اجتماعی، ناامیدی، افزایش فردگرایی و در نهایت، خودمحوری جناح چپ در حوزه اجتماعی و خودمحوری جناح راست در حوزه اقتصادی است.

این لحظه مهم، فقط نتیجه چهار سال ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیست؛ این نقطه اوج، ۵۰ سال زوال اجتماعی است. «جهش^۲»، کتاب جدید و قابل توجهی از رابرت دی. پاتنام و شایلین رامنی گرت^۳، این وضعیت را کاملاً برجسته می‌کند. این کتاب که یک کار دقیق از علوم اجتماعی است، به بخش‌هایی از زندگی آمریکایی از حدود سال ۱۸۷۰ تا امروز می‌پردازد که معمولاً در محافل دانشگاهی به طور مجزا، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. اولین یافته مهم این است که بین دهه ۱۸۷۰ تا اواخر دهه ۱۹۶۰، طیف گسترده‌ای از روندهای اجتماعی آمریکا بهبود یافت؛ فعالیت فعالان اجتماعی و همکاری بین حزبی افزایش یافت،

نابرابری درآمد کاهش یافت، تحرک اجتماعی، حضور در کلیسا و اعضای اتحادیه افزایش یافت، مالیات بر درآمد فدرال تصاعدی شد، همچنین، هزینه‌های اجتماعی بیشتری صرف فقرا شد. بسیاری از ما فکر می‌کنیم که آن پیشرفت‌ها تنها پس از قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ برای آفریقای آمریکا، همکاری‌ها اتفاق افتاد اما پاتنام و گرت، نشان می‌دهند که سریع‌ترین پیشرفت‌ها در دهه‌های قبل اتفاق افتاده است. حضور سیاه‌پوستان در مدارس، افزایش درآمد، نرخ مالکیت خانه، تعداد رأی‌دهندگان، به سرعت در دهه ۱۹۴۰ افزایش و سپس، در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کاهش یافت. قرن آمریکایی در طول این چند دهه، پیشرفت اجتماعی داشت و سپس، در اواخر دهه ۱۹۶۰، همه چیز خراب شد.

2. The Upswing

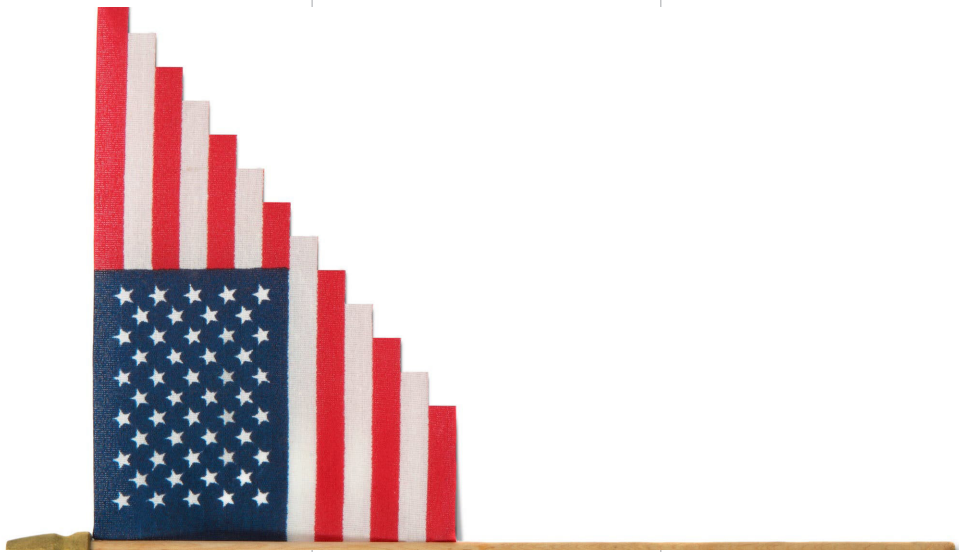
3. Robert D. Putnam and Shaylyn Romney Garrett

1. David Brooks

طی ۵۰ سال گذشته، روندهای مثبت معکوس شده است؛ عضویت در سازمان‌های مدنی ریزش داشته، پلاریزاسیون^۱ (قطبیدگی) سیاسی بدتر شده، نابرابری درآمدی بیشتر شده، اعتماد

چرا همه این اتفاقات مختلف با هم رخ داد و به یک باره همه چیز خراب شد؟ شاید تغییر اقتصادی، موجب همه این اتفاقات شد؟ اما نه، سرعت تغییر اقتصادی کند بود و هم‌زمان با این اتفاقات نبوده

را شاهد بودیم؛ حرکت از «من» به «ما» و دوباره از «ما» به «من». طبق گفته پاتنام و گرت، بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۸، فراوانی کلمه «من» در کتاب‌های آمریکایی دو برابر شد. نویسندگان مراقب هستند



اجتماعی کاهش یافته، شرکت در مراسم مذهبی کاهش یافته، تحرک اجتماعی کاهش یافته، مرگ و میر ناشی از ناامیدی، به شدت افزایش یافته است و غیره.

پاتنام و گرت داده‌ها را از حوزه‌های مختلف گرفته و تفسیرهای مختلفی از یک نمودار که به شکل U معکوس است، ارائه داده‌اند. تا اواخر دهه ۱۹۶۰، زندگی آمریکا در طیف وسیعی از معیارها رو به بهبود بود اما از آن زمان به بعد، شاهد زوال بوده‌ایم.

است. نابرابری اقتصادی کمی دیرتر از بسیاری از روندهای دیگر بروز یافت. شاید به خاطر ناکارآمدی سیاسی بوده باشد؟ جواب منفی است. این نیز کمی بعد اتفاق افتاد. تغییر اساسی در طرز فکر و فرهنگ بود. همان‌طور که پاتنام و گرت می‌نویسند: «داستان آزمایش آمریکا در قرن بیستم، یکی از جهش‌های طولانی به سمت افزایش همبستگی است و به دنبال آن، یک نزول شدید به سمت افزایش فردگرایی

که این مسئله را با عبارات اخلاقی بیان نکنند و با مباحث اخلاقی نیامیزند، اما من می‌گویم که از اواخر دهه ۱۹۶۰، خودمحوری جناح چپ در حوزه اجتماعی و سبک زندگی و خودمحوری جناح راست در حوزه اقتصادی وجود داشت و حمایتی هم از سیاست‌های عام‌المنفعه نمی‌شد. اما خودمحوری در تمام جامعه، مورد تجلیل واقع شد و این مسئله بر اساس یک مغالطه و سفسطه بود؛ اگر همه ما کارهایمان

را خودمان را انجام دهیم و سرمان به کار خودمان باشد، همه چیز برای همه بهتر خواهد بود.

وقتی داشتم کتاب را می‌خواندم، به همه افرادی فکر می‌کردم که در بنیادها، مؤسسات غیرانتفاعی و همه سازمان‌هایی که سعی می‌کنند به افراد نیازمند کمک کنند و اصلاحات اجتماعی انجام دهند، کار می‌کنند. من مطمئن هستم که همه این افراد خوب، در این مکان‌های خوب در ۵۰ سال گذشته کارهای خوبی انجام داده‌اند، اما آن‌ها نتوانسته‌اند، جهت این منحنی‌ها را عوض کنند. شرایط اجتماعی به طور مه‌ارناشدنی بدتر شد. این مسئله بدین دلیل است که بسیاری از آن‌ها در جهت اشتباه کار می‌کردند. آن‌ها در تلاش بودند تا برنامه‌هایی بسازند که «میزان پیشرفت را بالا ببرند»، اما در برابر موج فرهنگ، ذهنیت فراگیر فردگرایانه و همه تأثیرات اجتماعی و سیاسی آن، در واقع، آن‌ها داشتند در خلاف جریان آب رودخانه شنا می‌کردند. حدود دو سال و نیم پیش به تأسیس سازمانی به نام سازندگی، پروژه ساختار اجتماعی کمک کردم که دقیقاً برای تمرکز و پرداختن به تغییرات فرهنگی طراحی شده بود. ما از این سازندگان جامعه،

1. Weave: The Social Fabric Project

حمایت کرده و مسائل را برای آن‌ها توضیح داده و روشن می‌کنیم، آن‌ها را به یکدیگر وصل می‌کنیم، زندگی روزمره اعضای سازندگی بر وحدت و انسجام اجتماعی متمرکز است و نه برخورد. ما تصور می‌کنیم که فرهنگ، زمانی تغییر می‌کند که گروه کوچکی از مردم راه بهتری برای زندگی پیدا کنند و بقیه هم از آن‌ها تقلید کنند. من متوجه شده‌ام که حدود یک سوم افرادی که در این پروژه با آن‌ها روبرو می‌شوم، قدرت فرهنگ و اهمیت تغییر فرهنگ را می‌فهمند و دوسوم آن‌ها، واقعاً فرهنگ را نمی‌بینند؛ آن‌ها منحصراً بر آنچه ملموس و کمیت‌پذیر است، تمرکز می‌کنند و باین حال، تغییر ذهنیت ملت، ارزش‌ها و هنجارها، کاری دشوار و ضروری است.

پاتنام و گرت، جنبش ترقی خواهی^۲ را نه به عنوان چیزی که می‌توانیم به آن بازگردیم، بلکه به عنوان مجموعه درس‌نامه‌هایی می‌دانند که می‌توانیم، به آن‌ها رجوع کنیم. ترقی خواهی در درجه اول، یک بیداری اخلاقی بود. موکرکرها^۳ مفاسد اجتماعی را افشا کردند. بقای ذهنیت (طرز فکری) شایسته‌ترین^۴ رد

2. progressive movement

۳. نویسندگان، عکاسان و روزنامه‌نگاران اصلاح طلب در عصر ترقی خواه در آمریکا بودند (muckrakers)

4. fittest mentality

شد. سپس شاهد رنسانس مدنی بودیم. بین سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰، آمریکایی‌ها با سرعتی بی سابقه سازمان‌های مدنی را ایجاد کردند، سپس، یک جنبش سیاسی مطرح شد و تا سال ۱۹۱۲، هر سه نامزد اصلی ریاست جمهوری خود را ترقی خواه معرفی کردند؛ ویلیام تافت، وودرو ویلسون و تئودور روزولت^۵. امروز ما به یک تغییر سیاسی نیاز داریم و رهبری نداریم که ملت را از بالا مدیریت کند. البته قطعات بزرگ گمشده این پازل، حوزه‌های مدنی و فرهنگی هستند؛ یک بینش اخلاقی که الهام‌بخش نسل در حال رشد باشد، یک روایت ملی جدید که مردم را متحد سازد، سازمان‌های واقعی که در آنجا، مردم واقعاً برای رفع مشکلات محلی، باهم همکاری کنند. همان‌طور که در سال ۱۸۷۰ اتفاق افتاد، این کار یک نسل است.

5. William Taft, Woodrow Wilson and Theodore Roosevelt.